

نحوه ارتباط بین علم و سیاست در بخش آب و محیط‌زیست

مهدی کلاهی، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد

MahdiKolahi@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

جهان با چالش‌های بزرگی به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی، آب و محیط‌زیست روبرو است. سیر تاریخی علم (دانشگاه) و سیاست (تصمیم‌گیری و اجرا)، جدایی این بخش‌ها از یکدیگر را نشان می‌دهد، بطوری که وضعیت ناسامانی‌های کنونی، به نام دستاورد عمده این عدم هماهنگی یا همکاری رقم خورده است. پس پیشنهاد سریع، همانا همکاری این بخش‌های مختلف برای غلبه یا کاهش چالش‌های موجود است. ولی سوال اینجاست که چگونه اطلاعات علمی می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیری داشته باشند؟ چگونه علم می‌تواند قسمتی از تصمیمات سیاسی شود؟ آیا ساختاربندی همکاری بخش‌های علم و سیاست میسر است؟ اصولاً این همکاری چگونه باید باشد؟ و سولاتی مانند آنها. این مقاله به کاوش این ارتباط می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: قدرت علم، پویایی جهان، دانشگاه، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، بخش اجرایی

مقدمه

برخی معتقدند که علم (دانشگاه) و سیاست (تصمیم‌گیری و اجرا)، هر کدام در یک سپهر مجزایی شکل گرفته و ریشه یافته‌اند؛ یعنی دنیای متفاوتی دارند. به طبع، اکثراً زبان همدیگر را یا متوجه نمی‌شوند و یا بد متوجه می‌شوند. ولی چاره‌ای نیست جز یافتن راهی برای همکاری موثر این بخش‌ها. درست است که تا جریان یافتن همه اطلاعات بین علم و سیاست خیلی مانده است، ولی یادگیری زبان طرف دیگر، وقت گذاشتن برای گوش کردن به هر استدلالی-حتی اگر بعضی قابل درک نباشند- و قبول یک جریان انتخابی اطلاعات، اصولی هستند که مبادله اطلاعات را تا حد امکان بهبود می‌دهند. زیرا این دانش علمی است که به سیاست‌های بهتر، سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، و افزایش تأثیربخشی و کارایی تصمیمات سیاسی در اجرا منتهی می‌شود.

انتقال دانش علمی را نمی‌توان به آسانی بوسیله فعالیت‌های برقراری ارتباط یا ترجمه سخنان، بهتر ساخت، زیرا تفاوت‌های ساختاری بنیادی، حتی برغم بهترین تلاش‌های ممکن در برقراری ارتباط، پابرجا می‌مانند. به عبارت دیگر، تفاوت‌های بنیادی بین سیستم علم و سیستم سیاسی، اساساً مانع از انتقال دانش علمی می‌شوند. فرآیند علمی و سیاست‌گذاری عمومی اصولاً ناسازگار هستند. محیط ارتباطی خاص سیستم علم، «حقیقت» است، محیط ارتباطی خاص سیستم‌های سیاسی، «قدرت» است. کارکرد سیستم علم، تولید دانش جدید از طریق فرآیندهای پژوهش است، درحالی که کارکرد سیستم سیاسی، تولید تصمیماتی مجموعه الزامی از طریق فرآیندهای قدرت است. بازیگران سیاسی از دانش علمی صرفاً به عنوان یک منبع دیگر استفاده می‌کنند که اختیار یا مشروعیت آنها را افزایش خواهد داد. آنها به معقولیت علمی یا نتایج پژوهش علمی علاقه‌ای ندارند. به علاوه سیاست لزوماً از گفتگو درباره مفاهیم

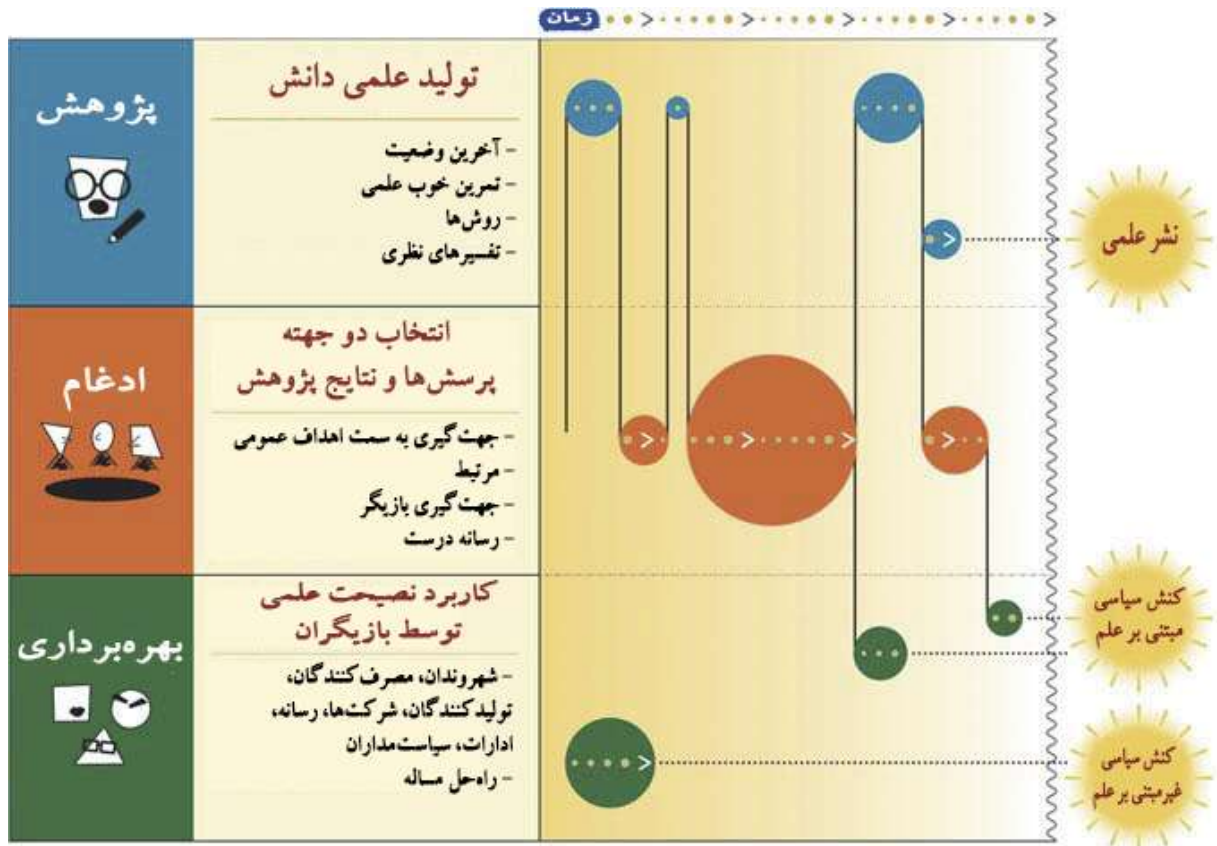
علمی نفع نمی‌برد. دانش علمی که آنها بکار می‌برند فاقد کارکرد معرفت‌شناختی است؛ آن صرفاً راه دیگری برای آنها در مشروعیت‌بخشی به منافع خود و کسب قدرت فراهم می‌کند. تصمیم‌گیران تلاش می‌کنند از تخصص دانشمندان برای موجه کردن منافع و برنامه‌های سیاسی‌شان استفاده کنند و بنابراین از آنهایی که نتایج علمی‌شان با انتظارات و باورهای آنها منطبق باشد پشتیبانی می‌کنند. از طرف دیگر، سیاست به طرف سازمان‌دهی عمل جمعی در شرایط منافع کوتاه‌مدت مختلف و روابط قدرتی که در جامعه مدرن وجود دارد جهت‌گیری می‌شود. بنابراین، بازیگران سیاسی اغلب از پیام‌های ساده (در مقابل استدلال‌های علمی) استفاده می‌کنند یا به نتایج علمی در همان لحظه‌ای که پنجره‌های سیاست برای یک تصمیم سیاسی معین باز هستند نیاز دارند. در بسیاری موارد، بازیگران سیاسی باید فوراً تصمیم بگیرند و نمی‌توانند منتظر علم برای تولید اطلاعات بیشتر بمانند. در نتیجه، ایجاد ارتباط بین علم و سیاست به علت تفاوت بنیادی این سیستم‌ها، دشوار است.

دیدگاهی از علم سیاست به معنای این عقیده است که تصمیمات در جامعه، نتیجه روابط چندگانه قدرت بین بازیگران متعدد است و این که بازیگران برای تحقق منافع خود تلاش می‌کنند. می‌توان چهار نوع متحد مختلف را، شامل «متحدان داخلی»، «متحدان بیرونی»، «متحدان یادگیری» و «متحدان خردمند»، مشخص کرد که هر کدام از علم استفاده متفاوتی دارند [۱]. تقریباً همه بازیگران، مادامی که قادر به مسلط شدن بر دیگر بازیگران خاص باشند، به انتقال دانش کمک می‌کنند. بنابراین پیام عجیب اینکه قدرت در مورد انتقال دانش تصمیم می‌گیرد و نه استدلال‌های علمی، شامل این خبر خوب نیز است که به علت همه جا حاضر بودن روابط متفاوت قدرت در جامعه و سیاست، بازیگران ضعیف‌تر نیز در صورت یافتن بازیگران نیرومندتر که با استفاده از منابع قدرت‌شان از این دانش پشتیبانی می‌کنند، شانس‌هایی برای عملی کردن دانش علمی دارند. استدلال آن است که انتقال دانش علمی به اجرای سیاسی به سبب قدرتی حاصل می‌شود که به منتخب استدلال‌های علمی افزوده می‌شود (مدل علم به اضافه قدرت).

در علم سیاست، عادی است که سیاست در درجه اول، درباره حل موثر مسأله نیست، بلکه در مورد کسب و حفظ قدرت است. در مواردی، بازیگران سیاسی به حل مسأله، اصلاً علاقه‌ای ندارند بلکه تقریباً دانش علمی را به دلایلی به جز خود علم بکار می‌بندند. بنابراین، بکارگیری تخصص علمی نه تنها به کیفیت علمی بلکه به سودمندی‌اش برای بازیگران متفاوت سیاسی نیز بستگی دارد. تصمیمات، سیاسی هستند، به معنی آن است که تصمیمات دست کم تا حدی بر جنبه‌های هنجاری تکیه می‌کنند که نمی‌توان به لحاظ علمی درباره آنها تصمیم گرفت. اطلاعات علمی نمی‌توانند تصمیمات سیاسی را به طور کامل هدایت کنند؛ بلکه، اطلاعات علمی می‌توانند برای کمک به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاسی، بازیگران سیاسی را از موضوعات مرتبط با علم آگاه سازند.

دکتر مایکل بوچر و پروفیسور مکس کروت (از اساتید انگشت‌شمار و به نام علم سیاست منابع طبیعی در اروپا)، از دانشگاه جرج آگوست گوتینگن آلمان، با بهره‌گیری از تجربه‌های ملی و بین‌المللی، در کتاب جدیدشان تحت عنوان «قدرت علم و پویایی جهان: انتقال موفق دانش علمی در زمینه محیط‌زیست»، جدیدترین دستاوردهای علمی-اجرایی خویش را برای بهبود ارتباطات بین علم، سیاست و اجرا در بخش‌های آب/محیط‌زیستی/منابع طبیعی ارائه داده‌اند [۱] (این کتاب توسط نویسنده این مقاله ترجمه شده است). ایشان یافته‌های خود را در مدلی به نام مدل انتقال دانش علمی «پاب» (Research-Integration-Utilization) یا همان پژوهش-ادغام-بهره‌برداری) عرضه می‌کنند و معتقدند طبق بررسی مطالعات موردی صورت گرفته، که چندین مورد از آنها در آن کتاب توضیح داده شده‌اند، صحت کاربردی بودن این مدل تایید شده است. مدل تحلیلی پاب، فرآیند انتقال دانش علمی را به

عنوان فرآیند مداوم پژوهش (پ)، ادغام (ا) و بهره‌برداری (ب) تعریف می‌کند که هر کدام از یک منطق جداگانه پیروی می‌کنند (شکل ۱).



شکل ۱- مدل انتقال دانش علمی پاب

نقطه شروع مدل پاب شرایطی است که تحت آن اطلاعات علمی مرتبط با آب و محیط‌زیست می‌توانند بر تصمیمات سیاسی (و اجرایی) اثر بگذارند. مدل پاب یک ابزار تحلیلی برای شناسایی عوامل مهمی است که در انتقال دانش علمی به سیاست‌گذاری موثر هستند. بنابراین، این مدل علاوه بر مساعدت به تحلیل موارد انتقال دانش علمی، می‌تواند به بهسازی انتقال دانش و ارزیابی آن کمک کند. به عبارت دیگر، مدل پاب، شالوده‌ای برای تحکیم انتقال دانش علمی فراهم می‌کند به صورتی که با ایده‌آل‌های پژوهش علمی مستقل کیفیت بالا، ادغام کثرت‌گرا و تصمیم‌گیری سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری هدایت شده است. راه‌حلی که مدل پاب ارائه می‌دهد مستقل‌نگه داشتن پژوهش، اما پیوند دادن آن با بهره‌برداری بخش اجرایی از طریق یک عرصه فعالیت خاص، به نام ادغام، است. در داخل ادغام، شمول وسیع بازیگران به انتخاب نتایج علمی که به طرف‌هنجارهای اخلاقی و نیازهای اجتماعی جهت‌گیری می‌شوند میدان می‌دهد.

جمع‌بندی

رویکردهای انتخابی متفاوتی برای انتقال دانش علمی وجود دارند که از آن جمله می‌توان به مدل‌های خطی یا فن‌سالار، مدل‌های مختلف سیستمی، مدل‌های کارکردی، مدل‌های هم‌تولید و ایجاد ارتباط، و در نهایت مدل پاب اشاره نمود. این رویکردها قادر به مهیا کردن شرایطی‌اند که تحت آن، علم می‌تواند تاثیری بر تصمیمات سیاسی داشته باشد. در بخش آب و محیط‌زیست ویژگی‌ها و قابلیت‌های مدل پاب نسبت به سایر مدل‌ها برجسته است. باید به فرق بین «علمی‌شدن سیاست» و «سیاسی‌شدن علم» پردازیم. همچنین قبول کنیم که استقلال این دو بخش علم و سیاست برای رسیدن به شکوفایی در مسایل آب و محیط‌زیست ضروری است. معتقدم اگر می‌خواهیم بین علم و سیاست در موضوعات آب و محیط‌زیست ارتباطی ایجاد کنیم باید از مدل پاب بهره ببریم. پس با وجود داشتن بخش علم (دانشگاه) و بخش سیاست (سازمانی و اجرایی) در کشور، اکنون لازم است نسبت به ساختاربندهی بخش ادغام کوشا باشیم. این قابلیت، گامی است برای گفتمان‌سازی و حکمرانی خوب طبیعت ایران زمین در راستای علم پایدار و سیاست پویا.

منابع

[1] Böcher, M., & Krott, M. (2016). *Science Makes the World Go Round: Successful Scientific Knowledge Transfer for the Environment*. Springer.